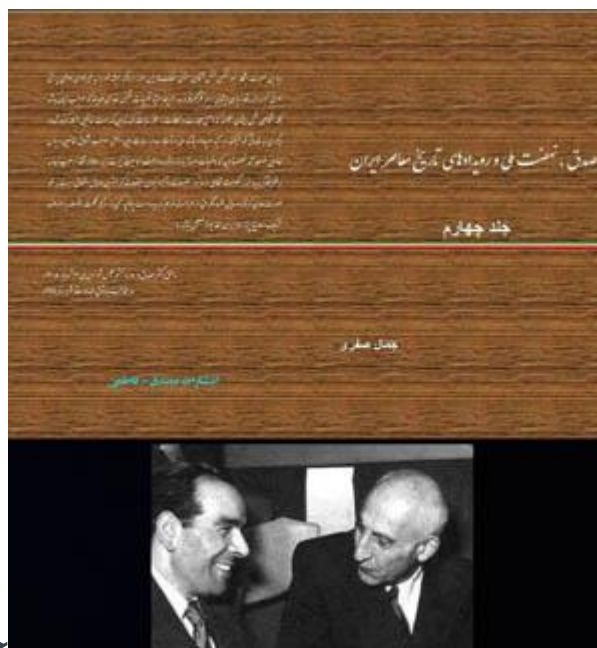


کتاب « مصدق، نهضت ملی و رویدادهای تاریخ معاصر ایران » جلد چهارم، کار جمال صفری انتشار یافت



جلد چهارم کتاب « مصدق، نهضت ملی و رویدادهای

تاریخ معاصر ایران » و دیگر کتابهای جمال صفری در کتابخانه سایت انقلاب اسلامی در هجرت موجود است:

پیشگفتار جلد چهارم کتاب «مصدق، نهضت ملی و رویدادهای تاریخ معاصر ایران»

در متن کتاب «مصدق، نهضت ملی و رویدادهای تاریخ معاصر ایران» جلد چهارم، سخنان دکتر محمد مصدق در مخالفت با وثوق الدوله در مجلس ششم شورای ملی بخاطر قرارداد 1919 و دفاعیه وثوق الدوله آورده شده است. دکتر مصدق در مخالفت با کابینه مستوفی‌الممالک که حسن وثوق‌الدوله تصدی وزارت دادگستری را داشت در ارتباط با قرارداد ۱۹۱۹ می‌گوید:

«.. هیچ قراردادی بدون تصویب مجلس شورای ملی معتبر نیست و سندی هم که اعتبار ندارد نمیتوان آن را اجرا کرد. توضیحاً عرض می‌کنم که فایده قرارداد آنقدر محرز شده بود که حتی در آن تصویب مجلس هم قید نمودند و باز برای این که تیرشان کارگر شود به غصب حقوق ملت مبادرت کرده در انتخابات مداخله و عده ای از وکلای مجلس را از نظر تصویب قرارداد تعیین نمودند»(1)

در ادامه آن دکتر مصدق تأکید می‌کند: « بنده نمیتوانم قبول کنم که آقای وثوق الدوله مجبور بوده زیرا ماده اول قرارداد در خصوص استقلال دولت ایران حاکی است که ایشان با يك عبارات فریب دهنده خواسته اند طبقه عوام ملت را اغفال نمایند ولی خوشبختانه زود معلوم شد که ملتی که قشون و مالیه اش دست دیگری است استقلال ندارد.

بنده نمی‌توانم مجبورت ایشان را تصدیق کنم زیرا شخصی که پول گرفت راضی است و او را نمی‌توان مجبور دانست کما این که سپهسالار که پول نگرفته بود قید فورس ماژور را در نوشته کنترل نمود مجبورت خود را ثابت و نوشته را بی اعتبار کرد.

در جواب من مستمع گفت ادله‌ی شما صحیح است خصوصاً این که مسأله پول زبان مرا الکن می‌نماید بالاخره از مطلب قدری دور شدیم اگر بگویند که تا محاکمه نشده هر نسبتی که به آقای وثوق‌الدوله می‌دهند غیر وارد است

اگر اتهامی وارد نیست آن را با دلیل باید رد نمود اگر وارد است تشکیل نشدن محکمه سبب نمی‌شود که شخص متهم در رأس امور مهمه قرارگیرد بلکه برخلاف اگر متهم شاغل شغلی است او را معلق و قبل از محاکمه او را حبس نماید، تا محاکمه را از آن بابت حساب نمایند.» (2)

دکتر مصدق با اشاره به اینکه « ماده ۱۵۹ قانون جزای عرفی میگوید «هر يك از رؤسا و اعضاء و اجزاء ادارات و محاکم عدليه که برای انجام امری که از وظایف آنان بوده ولی قانوناً رسومی به جهت آن مقرر نشده وعده یا تطمیعی را پذیرفته و یا هدیه و تعارفی را قبول نماید اگر چه انجام آن برطبق حقانیت بوده باشد از حقوق ملی محروم میشود و به علاوه محکوم است به ردّ تعارفی که قبول کرده است و در مقابل هر يك تومان تعارفی که گرفته یا وعده ای که به او داده شده است محکوم به يك روز حبس قابل ابتیاع خواهد شد در هر حال مدت حبس او کمتر از شش روز نباید باشد» و بر طبق ماده ۱۶۰ کلیه اشخاص دیگری که مرتکب این اعمال شوند از يك سال الی سه سال محکوم به حبس تأدیبی و معادل آنچه که در ماده قبل ذکر شد حبس قابل ابتیاع خواهند گردید و به علاوه بعد از اتمام مجازات حبس از پنج سال الی ده سال از حقوق مذکوره در ماده ۲۷ که یکی از آنها عضویت مجلس شورای ملی و انجمنهای ایالتی و بلدی است محروم میشوند. آیا پولهایی که برای دادن امتیازات و قرارداد به ایشان رسیده موجب نیست که ایشان را به مجازات این مواد محکوم و از حق وکالت محروم نماید.» (3)

وثوق الدوله در ادامه دفاعیه خود در مجلس در رابطه با موضوع گرفتن پول می گوید: « راجع به آن یکصد و سی هزار لیره هم که آقای دکتر مصدق اشاره فرمودند، همین قدر می توانم عرض کنم که اگر به خود ایشان چیزی از این بابت رسیده به بنده هم رسیده است و اگر مسلم شود چنین وجهی دریافت کرده ام، علاوه بر آنکه حاضرم غرامات آن را به اضعاف (= دوبرابر) پردازم. تمام ایرادات و اعتراضات آقای دکتر مصدق را هم بر خود وارد می دانم.» (4)

توضیح اینکه با انتشار اسناد رسمی مربوط به قرارداد 1919 مردم ایران اکنون بهتر می توانند زوایای تاریک قرار داد را به بینند و به درستی موضع دکتر مصدق که از منافع ملی و حقوق ملت ایران دفاع کرد و در باره شخصیت عاقدان قرارداد 1919 قضاوت نمایند. بعنوان نمونه بنا بر اسناد وزارت خارجه انگلیس، «انگلیسی ها برای تسهیل امضای قرارداد، مبلغ چهار صد هزار تومان (که به پول آن زمان مبلغ بسیار هنگفتی می شد) میان سه وزیر عاقد قرار داد به شرح زیر تقسیم کرده بودند:

200,000 تومان

نخست وزیر (وثوق الدوله)

100,000 تومان

وزیر خارجه (شاهزاده فیروز میرزا نصرت الدوله)

100,000 تومان

وزیر دارائی (شاهزاده اکبر میرزا صارم الدوله)

پیش از تقسیم این پولها، از لندن به سرپرستی کاکس دستور داده شد حتی المقدور چانه بزند تا شاید حق العمل وزرای رشوه گیرا تقلیل بدهد. کاکس در تلگراف مورخ چهاردهم اوت 1919 خود جواب داد:

«...حد اعلاى موفقیتى که در این کار نصیب شد پائین آوردن مبلغ مورد مطالبه به چهار صد هزار تومان بود که معادل است با یکصد و سی و یک هزار و صد و چهل و هفت لیره و یازده شلینگ و نه پنس...از لحاظ رعایت انصاف این موضوع را محرمانه باید به اطلاعاتن برسانم که در قضیه مطالبه پول، خود وثوق الدوله آنقدر پافشاری نداشت که آن دو وزیر دیگر (نصرت الدوله و صارم الدوله) که حقیقتاً جانم را به لب آوردند...» (5)

بخش دیگر کتاب راجع به کنفرانس صلح پاریس که « دولت ایران که در نتیجه جنگ جهانی دچار خسارت و صدمات فراوانی شده و بخصوص در آخرین سال جنگ به علت بروز قحطی چندین هزار نفر از مردم آن مرده بودند [توضیح جمال صفری: این آمار صحیح نیست.] که دلیل عمده آن استفاده خوار و بار جهت نیروهای خارجی بود، به محض اینکه کنفرانس صلح در ژانویه 1919 در ورسای تشکیل شد تصمیم گرفت نمایندگان اعزام و خواسته های خود را به اطلاع دول فاتح برساند. هیئت نمایندگی ایران به ریاست مشاور الممالک انصاری وزیر امور خارجه در معیت ذکاءالملک فروغی رئیس دیوان عالی کشور رهسپار فرانسه گردید و تقاضای شرکت در جلسات کنفرانس صلح را نمود. دولت انگلستان به عنوان

اینکه ایران رسماً بی طرف بوده و درجنگ شرکت عملی نداشته است تا بتواند درکنفرانس صلح شرکت کند با پذیرفتن هئیت ایرانی مخالفت کرد.

هئیت نمایندگی امریکا بخصوص وزیرخارجه آن جورج لانسینگ که متوجه حقانیت ایران شده بودند مساعی زیادی درمورد پذیرفتن ایران در کنفرانس به کاربردن ولی انگلیسیها به هیچوجه حاضر به تغییر عقیده نشده و شدیداً با این موضوع مخالفت ورزیدند و هئیت ایرانی که از ورود به جلسات کنفرانس مأیوس شده بود تقاضای خود را در جزوه ای انتشار داد و جهت هئیت‌های نمایندگی عضوکنفرانس فرستاد. این تقاضا ها شامل سه قسمت سیاسی، اقتصادی و قضایی بود. درقسمت سیاسی ایران تقاضا داشت قرارداد 1907 فوراً و رسماً ملغی گردد، مستحفظین و گاردهای سفارتخانه ها و کنسولگریهای خارجی درایران برچیده شوند و سر زمینهایی شامل ایالات مرو، خیوه، ترکستان و هفده شهر قفقاز بود که طی دو دوره جنگهای ایران و روس از ایران منتزع شده بود و به این ترتیب سرحدات ایران به صورتی درمی آمد که درابتدای قرن 19 وجود داشته است. درغرب هم تقاضا شده بود ایالات کردستان و موصل و دیاربکر ضمیمه خاک ایران گردد و رود فرات سرحد غربی ایران شناخته شود. درقسمت اقتصادی دولت ایران تقاضای غرامت و جبران خساراتی را که نیروهای دول متخاصم در دوران جنگ به ایران وارد ساخته بودند، داشت و در قسمت قضایی الغای کاپیتولاسیون و برچیده شدن محاکم کار گذاری مربوط به رسیدگی به جرایم خارجیان را تقاضا کرده بود.

در اثر مخالفت دولت انگلستان، کنفرانس صلح ورسای به تقاضاهای دولت ایران ترتیب اثر نداد و وثوق الدوله نخست وزیر هم آنطور که باید و شاید از هئیت نمایندگی ایران پشتیبانی نکرد. لذا مأموریت این هئیت با شکست مواجه شد و به ایران مراجعت نمود. علت اصلی مخالفت انگلستان با شرکت نمایندگان ایران در کنفرانس صلح قراردادی [قرارداد 1919] بود که بطور محرمانه با وثوق الدوله مشغول مذاکره و تهیه اش بودند و به منزله خاتمه استقلال ایران به شمار میرفت. (6)

یادداشت‌های فروغی و مکاتبات مشاور الممالک حکایت از درهم ریختگی و عدم هماهنگی سیاست خارجی ایران می کند. و عدم همکاری میرزا حسن خان وثوق الدوله رئیس الوزراء با هئیت اعزامی به کنفرانس پاریس است که عبارت بودند از علیقلی خان انصاری (مشاور الممالک) وزیر خارجه وقت سرپرست هئیت، محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) رئیس دیوان تمیز، سید ابوالقاسم انتظام الملک (عمید) رئیس کابینه وزارت خارجه، میرزا حسین خان معین الوزرا (علاء) و زیرسابق فواید عامه و تجارت، آدولف پرنی مستشار وزارت عدلیه و عبدالحسین مسعود انصاری پسر مشاور الممالک (به سمت منشی مخصوص هئیت).

فروغی در یادداشت‌هایش می نویسد: « تلگراف طهران چیز غریبی است و در واقع صریحاً می گویند باید ما مطیع انگلیسها باشیم و نسبت بی مبالاتی و بی احتیاطی به ما می دهند. جوابی برای این تلگراف تهیه کردیم. (7) یا « کارمان ترتیب دادن دوسیه ها بود. بعد از ظهر قدری با مشاور در باب کارها صحبت کردیم. حق این است که مخالفت طهران با مشاور و نوکر انگلیس بودن آنها دست ما را بسته و گمان می کنم هیچ نتیجه ای نگیریم. معاهده مقدماتی صلح تا ده پانزده روز دیگر حاضرمی شود. در این پانزده روز یقیناً به کار ما توجهی نخواهد شد. بعد از آنکه آن عهد نامه هم بسته شد دیگر متفرق می شوند و معلوم نیست ما بتوانیم حرفی به کسی حالی کنیم. (8)

یا اینکه «با انتظام الملک صحبت از کار خودمان می کردیم و اینکه چطور عاجز مانده ایم. طهران هیچ خبری نمی دهد، نه بد نه خوب. مشاور هم که ساکن و ساکت و صامت است. انگلیس هم که زرنگ و روس و انگلیس فعال و شاید که الان در طهران مشغول انجام مقاصد خود می باشند. ما هم هیچ وسیله ای برای اینکه مردم طهران رامطّلع کنیم نداریم. تلگراف که ممکن نیست، چاپار که نیست، چاپار مخصوص هم بر فرض که بشود دو ماه دیگر به طهران می رسد.» (9)

و در جائیکه بازمی گوید: « پس از شام قدری با هم در باب سکوت طهران صحبت کردم که یک ماه است از وثوق الدوله هیچ تلگراف نمی رسد. قریب بیست روز هم هست که از اعتلاء الملک هم خبری نیست و عقلمان به هیچ جا نرسید جز اینکه در طهران بحران باشد یا اینکه تلگرافات توقیف می شود. این شیقّ ضعیف است. یا تعمد می کنند که ما را بی تکلیف بگذارند. این هم بچه گانه است. در حال قرار شد تلگرافی برای استخباره طهران بشود.» (10) و با « به اصرار گردن مشاور گذاشتیم که تلگرافی به طهران بکند و طهران را تشجیع و دعوت به اتفاق با ما بنماید. فوق العاده ملاحظه می

کند و از انگلیسها می ترسد... به هر حال انگلیسها می خواهند به همین حقه بازیها سرما را گرم کنند تا کنفرانس تمام شود. ضمناً ناصرالملک [میرزا ابوالقاسم قره‌گوزلوی همدانی] هم در این میانه بازی غریبی می کند و گمان من این است که سرگردانی و تردید علاءالسلطنه هم زیرسراو باشد که می خواهد به هر نحوی هست ایران را در دامن انگلیس بیندازد و علاءالسلطنه که آدم فقیری است در مقابل حقه بازی او مقهور است.» (11)

فروغی دریادداشتهايش به قرار داد 1919 اعتراض داشت و می نویسد: «امروز تلگرافی از رئیس‌الوزرا رسید مبنی بر اینکه قرارداد با انگلیسها تمام و امضا شد. تلگراف خوب استخراج نمی‌شد، اما اساس این است که مستخدمینی از انگلیس بگیرند و صاحب منصب برای فئشون متحدالشکل و قس علی ذلک. انگلیسها هم تمامیت و استقلال ایران را حفظ کنند و پول قرض بدهند. چشم حضرات روشن. آخر کار خودشان را کردند و این اندازه وقاحت و بی‌پروایی هم تصور نمی‌رفت در انسان موجود [باشد]. باری اما در باب افراد هیئت خیلی خوب شد، زیرا خودشان نوشته اند با این حال توقف هیئت در پاریس بی فایده است...»

با بی‌حسی ملت و بی‌حیایی رجال مملکت افتادن ایران در چنگ انگلیس حتمی بود. ما هم البته کاری نمی‌توانستیم بکنیم چون نماینده واقعی ایران نبودیم. حالا دیگر گذشت، اما برای آینده باز به کلی مایوس نباید بود. اگر شرکت ایران را در مجمع ملل خراب نکنند امیدواری خیلی هست. از آن می‌ترسم که آن را هم خراب کنند.» (12)

«خلاصه از طرف دیگر هر چه سعی کردیم با انگلیسها نزدیک شویم و و آنها را رام کنیم گفتند ما در طهران با دولت ایران مشغول مذاکرات هستیم و عنقریب نتیجه حاصل می‌شود. در لندن خواستیم اقدامات کنیم، خودمان به لندن برویم گفتند دولت ایران یا باید به توسط دولت انگلیس کار خود را صورت دهد یا به کنفرانس مراجعه کند. جمع هر دو نمی‌شود، و این همه به اتکاء اوضاع طهران بود.»

به طهران مراجعه کردیم که شما چه مذاکرات با انگلیسها می‌کنید ما را مطلع کنید و در هر صورت هیئت پاریس با هیئت طهران باید با موافقت یکدیگر کار کنند جوابی نرسید، و حاصل کلام این که امروز که شش ماه می‌گذرد که ما از طهران بیرون آمده و قریب پنج ماه است در پاریس هستیم به کلی از اوضاع مملکت و پلتیک دولت و مذاکراتی که با انگلیس کرده‌اند و می‌کنند و نتیجه‌ای که می‌خواهند بگیرند و مسلکی که در امور خارجی دارند بی‌اطلاعیم و یک کلمه دستورالعمل و ارائه طریق، نه صراحتاً نه تلویحاً، نه کتباً نه تلگرافاً، نه مستقیماً نه به واسطه به ما نرسیده. حتی این که در جواب تلگراف‌های ما به سکوت می‌گذرانند. سه ماه است از رئیس‌الوزرا دو تلگراف نرسیده، استعفا می‌کنیم قبول نمی‌کنند. دو ماه است برای پول معطلیم و نسیه می‌خوریم پول نمی‌فرستند.» (13)

ولی فروغی علی رغم انتقاد به قرارداد 1919 پس از برکناری مشاورالممالک از پست وزرات امور خارجه همکاری را برای پیشبرد اجرای قرارداد با وثوق الدوله رئیس‌الوزرا و نصرت الدوله وزیر امور خارجه با عاقدین قرارداد ادامه داد!

فروغی مکتوبی تحت عنوان «ایران در 1919» در باره قرارداد ۱۹۱۹ و وضعیت ناگوار ایران در آن دوره سخت و تاریک می نویسد و به صدمات و خسارات جانی و مالی به ایران که از طرف قوای اشغالگر روس و انگلیس وارد آمده است اینگونه اشاره می‌کند: «بدیهی است در این کشمکشها بر سر ایران و ایرانی چه آمد، تمام مزارع، خانه‌ها و باغ‌ها سوخته و خراب و غارت شده است و عدهٔ بیشماری از اهالی ایران کشته شده‌اند. روس‌ها و ترک‌ها با شهرهای ایران مانند سرزمین اشغال شده معامله می‌کردند و در نتیجه نیمی غربی ایران از تحمل هر گونه غارت و خرابی، تهیهٔ آذوقه و پرداخت غرامت معاف نمانده است.»

با سقوط بغداد بدست انگلیسها و انقراض تزاریسیم در روسیه ایران تصوّر کرد نفسی به راحت خواهد کشید، چه اشتباه بزرگی!

ترک‌ها هرچه در جنوب ناتوان شده بودند بر فعالیت و قتل و غارتشان در آذربایجان افزودند، واحدهای نظامی روس هم در نتیجهٔ سقوط حکومت مرکزی دیسپلین نظامی را کنار گذاشته به چنان قتل و غارتی دست زدند که نظیر آن کمتر دیده شد، فحطی و امراض مسریه (نتیجهٔ قهری جنگ) ایرانیان بدبخت را از پای درآورد.

سال ۱۹۱۷ - ۱۹۱۸ در تاریخ ایران سابقه ندارد صدها هزار ایرانی از گرسنگی مردند، خسارت شهرهای خراب شده و مزارع ویران شده به صدها میلیون تومان بالغ می‌شود. (14)

علیقلی خان انصاری (مشاورالممالک) وزیر امور خارجه وقت ایران در رساله ای در شرح تضییقات وارده بر ایران تحت عنوان «ادعای ایران در برابر کنفرانس مقدماتی صلح در پاریس، مارس 1919» در دفاع از منافع ایران آورده است: «برای آن که ایران بتواند خود را بازسازی کرده و روال متعارف زندگی را از سرگیرد، لازم است در برابر صدمات فوق الذکر که ضایعات هنگفتی بر دولت و مردم ایران وارد کرد، غرامت مکفی پرداخت گردد. از این رو دولت ایران با اطمینان به روح عدالت و انصاف کنفرانس صلح متوسل شده و براساس اصول اعلام شده از سوی قدرت های متفق و همراه، براین اعتقاد است که کنفرانس حق ایران را در مورد جبران غرامت عادلانه و مشروع مناطق ویران شده و جمعیت قتل عام شده اش مورد شناسایی قرار خواهد داد.

درعین حال که وسایل جبران غرامات به داوری کنفرانس محول می گردد، دولت ایران به خود اجازه می دهد که توصیه های ذیل را مطرح کند.

اول. در مورد روسیه: بخش کوچکی از صدماتی که وارد آورده است می تواند از طریق ذیل جبران شود:

الف) لغو بدهی های ایران به روسیه

ب) لغو امتیازاتی که توسط دولت و اتباع روسیه کسب شده اند.

پ) ضبط اموال دولت روسیه در ایران

دوم. در مورد عثمانی: میزان صدمات وارده از سوی او به ایران را می توان در بدهی های کلی اش منظور داشت.

سوم. در قبال آلمان: دولت ایران خواستار دریافت بخشی از غرامت کلی اش خواهد شد که از او گرفته می شود.

در پایان این نکته خاطرنشان می گردد که قدرت های خارجی مدعی هستند که در خلال جنگ، اتباع و همچنین مؤسسات صنعتی و تجارتی آنها در ایران دچار صدماتی از این قسم حاصل نقض بی طرفی است و جز مسببان این تعرضات کس دیگری مسئول آنها نیست. « (15)

جمال صفری

فرانکفورت، شهریور 1395

پی نوشت ها :

1- «مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶» جلسه: ۱۱ ، صورت مجلس یوم سه شنبه ۲۹ شهریورماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۲ شهر ربیع الاول مجلس ۱۳۴۵ - حسین مکی « تاریخ بیست ساله ایران» جلد چهارم ، نشر ناشر - 1363 ، ص 154

2 همان جا، صص 161 - 160

3- همان جا، صص 157 - 156

4 همان جا، صص 185 - 184

5 - دکتر محمد جواد شیخ الاسلامی - «سیمای احمد شاه قاجار - جلد اول»، نشر گفتار، 1375 ، صص 223 - 222- سند شماره 16 در همین مجموعه (- شماره 720 در مجموعه اسناد) تلگراف مورخ چهاردهم اوت / 1919 سر پرسی کاکس به لرد کرزن صص 46 تا 47

- 6- عبدالرضا هوشنگ مهدوی «تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی» انتشارات امیر کبیر- چاپ نهم - 1383 - صص 359 - 358
- 7 - یادداشت‌های روزانه محمد علی فروغی از سفر کنفرانس پاریس (دسامبر 1918- 1920) به کوشش محمدافشین وفایی و پژمان فیروزبخش- گنجینه پژوهشی ایرج افشار و انتشارات سخن، 394 - ص 84
- 8- یادداشت‌های روزانه محمدعلی فروغی - ص 89
- 9 - همان جا، صص ۱۱۲-۱۱۳
- 10 - همان جا، ص 115
- 11 - همان جا، ص 66
- 12 - همان جا، ص ۱۹۲
- 13 - محمد علی فروغی (ذکاءالملک) «ایران در ۱۹۱۹»، «مقالات فروغی»- انتشارات توس ، 1384 - صص 66-67
- 14- همان جا - صص 61-79
- 15- « آمال ایرانیان از کنفرانس صلح پاریس تا فراداد 1919 ایران و انگلیس » به کوشش کاوه بیات و رضا آذری شهرضایی - نشر شیرازه - 1392 - صص 278 -